

م. ع. اطرافی

## دولت وحدت ملی نیاز مبرم امروز و فردای کشور ما

امروز افغانستان با خطرات، تهدیدات، دسایس و تجاوزات نظامی و ترورستی دشمنان افغانستان در ابعاد گوناگون امنیتی، اقتصادی و سیاسی مواجه می‌باشد که از نظام ریاستی مطلق العنان و دولت فاسد آقای کرزی به دولت وحدت ملی به میراث مانده است. از جانب دیگر تقلبات گسترده در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری به مشروعیت انتخابات لطمه شدید وارد کرد که بعد از تفتیش صد در صد، آراء زیاد تقلبی تشخیص و به ابطال سپرده شد که تقلبات گسترده در انتخابات را به اثبات میرساند. روی همین حقایق تلخ، تفکیک صد در صد آراء پاک از ناپاک در نظام فاسد دولتی افغانستان صرف یک ادعا شده می‌تواند تا یک حقیقت عینی. در تفتیش و بازشماری صد در صد، تفکیک آراء پاک از ناپاک غیر ممکن می‌باشد حتمن فیصدی تقلب در بین ملیون ها رای پاک مردم نهفته مانده است.

تقلبات گسترده در انتخابات مشروعیت انتخابات و کاندیدان برنده و بازنده را زیر سوال می‌برد. کاندید پیروز مند هم نمیتواند اعتبار مردم را به تنهایی بدست آورد بلکه به حیث یک دولت متقلب مردم آنرا برسمیت می‌شناسند و به حیث یک دولت ضعیف و ناتوان امور کشور را از رئیس جمهور سلف خود تسلیم می‌گیرد و حمایت کُل مردم را با خود نداشته می‌باشد. صرف با وحدت و اتحاد دوکاندید رقیب و ایجاد دولت وحدت ملی از جانب دو کاندید میتواند صد درصد آرای مردم و حمایت مردم را با خود داشته باشند. دولت وحدت ملی با قوت بیشتر و حمایت بیدریغ مردم میتواند قدرت سیاسی را از سلف شان تسلیم شوند.

تقلب در انتخابات گناه و جرم ملی پنداشته می‌شود که خوش بختانه ایجاد دولت وحدت ملی با دو پایه ی اساسی و انتخابی مردم صد در صد آرای مردم را با خود دارند و همه تقلبات را خنثی ساختند .

دولت وحدت ملی با چالشها، دسایس و پلانه‌های شوم ذیل مواجه می‌باشد:

- گسترش جنگهای تروستان و طالبان در ۳۲ ولایت افغانستان و اخیرن نشر خبر ظهور گروه داعش در صف طالبان در ولایت غزنی.
- حملات دوامدار نظامیان پاکستان بالای ولایت کنر افغانستان که اهداف ذیل را در نظر دارند:

قرار نشر افواهاات و اطلاعات، معادن ستراتژیک و گران بها در ولایت کنر وجود

دارد که از ارزش بزرگی برخوردار است. پاکستان و حامیان پاکستان چشم شان را به ذخایر معدنی و آب دریای کنر دوخته اند که در جمله پاک ترین و صحتی ترین ابهای نوشیدنی در جهان میباشد که ارزش آن نسبت به نفت و گاز بمراتب بیشتر میباشد و استفاده از آن با کمترین سرمایه گذاری و مصارف بدست آمده میتواند. در مسیر دریای کنر امکان ایجاد بند بزرگ آبی که از تولید ذخیره عظیم برق برخوردار میباشد نیز وجود دارد. هدف حملات دوامدار پاکستان بالای کنر اینست که در اذهان مردم افغانستان تلقین نماید که پاکستان بم اتمی دارد. افغانستان توان دفاع از کنرها را ندارد و این حقیقت تلخ را افغانها بپذیرند تا پاکستان کنر را هم به خاکهای اشغالی افغانستان ضمیمه بسازد. گمان نمیرود که در موجودیت قوای نظامی امریکا و ناتو در افغانستان، پاکستان به تنهایی جرئت این کار را میکرد، اگر از جانب ایجاد گران و حامیان تاریخی پاکستان برایش چراغ سبز داده نمیشد. سکوت آقای کرزی در برابر راکت پرانی ها و فیر توپهای ثقیل بالای ولایت کنر، پاکستان را بیشتر تشجیع نموده که حملات اش را بالای کنر و ولایات شرقی افغانستان ادامه میدهد. اگر آقای کرزی توان دفاع نظامی را در برابر پاکستان نداشت به مردم اجازه میداد که در باره آن تصمیم میگرفتند. در طول تاریخ مردم افغانستان از وطن، استقلال و آزادی خود دفاع کرده اند و میکنند. و یا لا اقل میتوانند حملات پاکستان را محکوم میکرد و آنرا تجاوز صریح به خاک افغانستان اعلام میکرد و از قوای نظامی امریکا و ناتو میخواست که جلو آنرا بگیرد و یا به سازمان ملل متحد شکایت میکرد که نکرد.

- با تهدید امریکا و ناتو مبنی بر اینکه اگر افغانستان پیمان امنیتی با امریکا را امضا نکند افغانستان به سرنوشت عراق دچار خواهد شد. این تهدید میتواندست برای افغانستان فاجعه آمیز باشد. روی همین تهدید ها دولت وحدت ملی چار و ناچار پیمان امنیتی را با امریکا در روز دوم کاری اش امضاء نمود. مردم افغانستان با امضاء پیمان امنیتی با امریکا مخالفت ندارند زیرا لویه جرگه مشورتی آنرا تصویب کرده بود. آنچه باعث نگرانی مردم افغانستان شده است متن و محتویات پیمان امنیتی میباشد که آقای کرزی متن پیمان را با امریکا خود شخص نهایی کرده بود که در آن منافع امریکا بصورت مشخص بازتاب یافته اما منافع افغانستان در متن پیمان بصورت واضح و مشخص ذکر نشده است که شک و تردید مردم افغانستان را در باره پیمان امنیتی بوجود آورده است. پیمان امنیتی با ناتو هم از جانب لویه جرگه تصویب نشده بود که موجودیت ناتو در افغانستان برای مردم افغانستان و کشورهای منطقه چالش زا شده است. در پیمان امنیتی با ناتو افغانستان هیچ منفعتی بدست نمی آورد بلکه اضرار و خطرات بیشتر را متوجه افغانستان ساخته، روابط ما را با کشورهای همسایه و قدرتهای منطقه متأثر میسازد. عضویت در ناتو لا اقل این امتیاز را دارد که ناتو در مقابل تعرض نظامی کشورهای خارجی به یکی از اعضای ناتو مشترکن از آن دفاع مینمایند. آیا در متن پیمان

امنیتی با ناتو چنین تعهدی شده است. در غیر آن ناتو بموجب متن قرارداد چه کاری را به منافع ملی و راهبردی افغانستان میکند. باید مسئولیت های ناتو در مقابل عقد پیمان امنیتی با افغانستان واضح و روشن شود. در جهان امروز هیچ کس به کس مفت و رایگان چیز نمیدهد مگر اینکه در عقب آن منفعت بزرگ پنهانی وجود داشته باشد. سیاست در جهان امروز داد و ستد متوازن دارد. امضاء پیمان امنیتی بها و ارزش خاص خود را دارد که هر پایگاه نظامی نظر به موقعیت راهبردی اش در جهان سالانه در حدود یک میلیارد دالر حق الجاره دارد. در برابر آن به افغانستان چه داده شده و میشود. دولت وحدت ملی باید در این موارد روشنی بیاندازد تا مردم افغانستان هم از حقایق آگاه شوند که از حقوق اساسی مردم افغانستان میباشد. اگر خدا نخواسته جنگی بین قدرت های غربی و ناتو از یکطرف و قدرت های شرقی و کمپ شنغای از جانب دیگر در بگیرد افغانستان اولین کشوری خواهد بود که زیر پای قدرت های اتومی جهان محو و نابود خواهد شد. زیرا افغانستان بحیث داغ ترین نقطه تصادم بین قدرت های شرق و غرب که یکی برای جهان تک قطبی و دیگری برای جهان دو قطبی مبارزه مینمایند باقی خواهد ماند. غرب از شرق هراس دارد که هژمونی را از غرب نگیرد به هر قیمت جلو آن را بگیرند. شرق از غرب هراس دارد که از طریق نظم نوین جهانی، ایجاد انقلابات و گسترش تروریسم و جنگهای نیابتی در داخل قلمرو های قدرت های شرق نفوذ و پیشروی مینمایند و حاکمیت تک قطبی را به پشتوانه برتری های نظامی غرب و ناتو بالای شان تحمیل مینمایند که شرق با همه امکانات در مقابل آن ایستادگی خواهد کرد. از اوضاع و بحران های سیاسی، اقتصادی و نظامی امروز منطقه و جهان استنباط میشود که آتش جنگ جهانی سوم که با حمله نظامی امریکا بالای افغانستان شعله ور شده آهسته آهسته جنوب آسیا، شرق میانه، افریقا و شرق اروپا را فرا گرفته به صوب چین و روسیه در حال گسترش است. آخرین در رسانه خبری به نشر رسید که داعش چند دفتر خود را در کراچی پاکستان افتتاح کرده است. هدف شان غیر از هندوستان، چین، افغانستان، ایران و کشورهای آسیای میانه چه بوده میتواند. کدام قدرت داعش را به پاکستان صادر کرد و پاکستان خودش داعش را دعوت و یا تحت فشار کدام قدرت به داعش اجازه داد که دفاتر اش را در شهر کراچی افتتاح نماید. این سوالاتیست که پاکستان باید جواب بدهد.

اگر آب تا گلوی قدرت های غرب و شرق برسد بچه ها را زیر پا میکنند و برای رسیدن به اهداف شان به هر وسیله ممکن متصل میشوند که عواقب آنرا هیچ کس پیش بینی کرده نمیتواند.

شبکات استخبارات منطقه و جهان به همکاری مفسدین و خائنین داخلی شرایط را در افغانستان طوری مهندسی کرده اند که حاکمیت سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی ما را بچالش کشانیده اند. در تمام شئون زندگی و ارگانهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی

و فرهنگی در جامعه و کشور ما ریشه دوانده حاکمیت ملی ما را تهدید میکند. نفاق و دشمنی ها را در جامعه ما دامن زده میروند. انتخابات افغانستان را با تقلبات گسترده بد نام ساختند. با وصف تریلیون ها دالر ذخایر معدنی که در کشور ما وجود دارد تا هنوز هم ما احتیاج و محتاج کمک های خارجی هستیم. استثمار گران منطقوی و جهانی، ترورستان و مافیای مواد مخدر از منابع معدنی ما و عواید ملیارد دالری مواد مخدر استفاده های ناجایز میکنند. فساد را به همین منظور در کشور ما رایج ساختند و ملیارد ها دالر کمک های بین المللی را به غارت بردند.

دولت وحدت ملی با در نظر داشت این حقایق تلخ ناگزیر پیمان امنیتی را با امریکا امضاء کرد تا جلو اتحاد داعش و طالبان گرفته شود که افغانستان به سرنوشت عراق دچار نشود.

- بعضی اشخاص، اقتشار جامعه افغانی و دولت افغانستان استعمار زده و فساد پیشه شده اند که قدرت را در دست دارند و در ارائه خدمات به مردم، دفاع از منافع ملی و سرحدات افغانستان، ساختمان زیربنای اقتصادی، عودت و اسکان مجدد مهاجرین افغان از ایران و پاکستان، تأمین عدالت اجتماعی و جلوگیری از فساد گسترده در کشور بی تفاوت شده سهل انگاری مینمایند.

- مافیای مواد مخدر سازمان یافته در حلقات مقتدر داخلی، منطقوی و جهانی با هم متحد شده اند، کشت و قاچاق مواد مخدر را در افغانستان به اوج آن رسانیده اند.

- فساد گسترده مالی، اقتصادی، اخلاقی و عقیدتی دستگاه دولت و بعضی اقتشار جامعه ما را بحران زده ساخته است که موجب بی اعتمادی ها، بیعدالتی ها، نا امنی ها و جنگهای ترورستی در کشور ما شده است.

- بیش از ۶۰ درصد مردم ما در بیسوادی، فقر مواد غذایی و امراض گوناگون مضمن بخصوص امراض روانی مبتلا میباشند که به توجه خاص اشد نیاز دارند.

- بیش از ۳ میلیون افغان در ایران و پاکستان در حالت زار زندگی مینمایند. سطح بیکاری و بی روزگاری جوانان و طبقات محروم جامعه، وجدان هر افغان با درک را تکان میدهد که توجه خاص دولت جدید را ایجاب مینماید که در باره شان تصامیم و تدابیر جدی اتخاذ شود.

سوال اساسی این است که دولت وحدت ملی با پایه های لرزان تقسیم قدرت و شعار های متضاد تداوم، تحول، اصلاحات و همگرایی، خواهد توانست این همه دسایس و چالش ها را پاسخ بدهد و راهش را بسوی وحدت واقع ملی، صلح و ثبات، پیشرف و ترقی افغانستان و بهروزی مردم باز نماید!

دولت وحدت ملی نباید سوء تعبیر شود. دو حکومت در چوکات و ساختار یک دولت با شعارها و مرامهای متفاوت و تقسیم پست های دولتی از دو مرجع متفاوت ماهیت و فضای دولت وحدت ملی را غبار آلود میسازد که از رقابت قدرت طلبی نمایندگی میکند.

در دولت وحدت ملی در قدم اول باید شعار های واحد، افکار و اندیشه های واحد، مرام، برنامه، پلان و اهداف ملی واحد و مشترک هم آهنگ ساخته میشد و به توافق میرسید. در توافق نظر و عمل پایه های ثابت و کانکریتی دولت وحدت ملی ایجاد میگردد و شکست ناپذیر میشود.

در قدم دوم تقسیم پست های دولتی به اساس شایسته سالاری به مشوره یکدیگر صورت میگرفت تا از رقابت های قدرت طلبی در درون دولت واحد جلوگیری میشد.

برای اینکه ما در آینده اشتباه نکنیم، بیایید که کارکرد های دولت های چهاردهه اخیر افغانستان را بررسی نماییم تا اشتباهات آنها بار دیگر تکرار نشود.

اگر ما متوجه ضعف ها، اشتباهات و خطاهای گذشته خود شویم، به این نتیجه میرسیم که قدرت طلبی، قومگرایی، بنیادگرایی و فساد بزرگترین ضعف و اشتباه اقشار خاص جامعه ما میباشد که برای کسب قدرت به هر وسیله مشروع و نامشروع متصل شدند و با دشمنان افغانستان هم سازش کردند. منافع ملی، وطن و مردم خود را زیر پا کردند که باعث ناامنی ها در کشور گردیده. تاریخ گذشته و معاصر ما مملو از این رویداد های قدرت طلبان و مفسدین میباشد.

اگر رویدادهای چهار دهه اخیر کشور خود را بازرسی نماییم واضح میشود که در اکثر این رویداد ها قدرت طلبی و امراض کهن اجتماعی و سیاسی نقش کلیدی و اساسی داشته است:

- رقابت قدرت طلبی در خاندان سلطنتی به کودتای سردار محمد داود خان و سقوط سلطنت شاهی مشروطه محمد ظاهر شاه انجامید. درحالیکه نظام شاهی مشروطه بهترین و مناسب ترین نظام اجتماعی و سیاسی برای کشور ما بوده میتوانست.

- رقابت قدرت طلبی در حزب دموکراتیک خلق افغانستان به انشعاب جناح خلق و پرچم انجامید که بعد از کودتا و سقوط دولت سردار محمد داودخان،

دولت ائتلافی را تشکیل دادند که بالای تقسیم قدرت جورنیامدند به دسیسه علیه یکدیگر متصل شدند که زمینه ساز مداخله نظامی شوروی به افغانستان گردید. سرانجام دولت و حاکمیت هر دو جناح سقوط کرد و شوروی هم شکست خورد.

- رقابت های قدرت طلبی بین مجاهدین سرنوشت جهاد را در ایران به هشت تنظیم و در پاکستان به هفت تنظیم منشعب ساخت. بعد از تسلیمی مسالمت آمیز قدرت سیاسی از جانب دکتور نجیب اله رئیس جمهور وقت به صبغت اله مجددی رئیس جمهور چهار ماهه مجاهدین که در پاکستان طراحی شده بود و اردوی ملی و نیرومند افغانستان را بدستور نواز شریف منحل و متلاشی ساخت. جنگهای خانمانسوز بین فرقه های گوناگون مجاهدین بخاطر کسب قدرت در شهر کابل در گرفت که بیش از هشتاد هزار شهروندان کابل شهید شدند. چه تعداد زخمی، معیوب و چه تعداد آواره و مهاجر شدند احصایه آن در دست نیست. آنچه که مبرهن است که شهر کابل به دستور پاکستان به ویرانه تبدیل گردید. مردم کابل به این باور شدند که جهاد مجاهدین فی سبیل الله نبود بلکه بخاطر کسب قدرت در کابل بود.

تصادم ایدیولوژی های متخاصم انقلاب و جهاد کشور مارا به زانو در آورد و مردم مارا به خاک و خون و اسارت جدید کشانید و بحیث افزار جنگ نیابتی در خدمت منافع دوا بر قدرت متخاصم جنگ سرد آگاهانه و ناآگاهانه استعمال و گرفتار شدیم و علیه یکدیگر جنگیدیم، تلفات و خسارات عظیمی را روی تحریکات و احساسات ایدیولوژی انقلاب و جهاد بروطن و مردم خود تحمیل کردیم. برای حل مسالمت آمیز بحران کشور بغیر از دکتور نجیب اله که مثنی مصالحه ملی را اعلام کرد دیگران هرگز در فکر مذاکره، مصالحه و جور آمد نشدند. راه پیروزی جنگ را مطلق ساختند. در جنگ ما همه چیز خود را از دست دادیم. پیروزی ما را بازیگران منطقوی و جهانی از ما ربودند. ما از انقلاب و جهاد خونین با غرور پیروزی بدون محتوی دل خوش کرده ایم که با تلفات عظیم انسانی مردم ما و خسارات هنگفت اقتصادی و ویرانی کشور ما هیچ توازن و تناسب نداشت و ندارد. تا هنوز پیروزی جهاد با نعره تکبیر بدرقه میشود و حاکمیت دولتی را به گروگان گرفته اند که از نزد شان به بیراهه رفت. آنچه را که در پیروزی انقلاب و جهاد هدف قرار داده بودیم بدست آورده

نتوانستیم از نزد ما به یغما برده شد. جز شکست، نتیجه ملموسی را از انقلاب و جهاد هم بدست آورده نتوانستیم.

امریکا و قدرت های غربی بدون درگیری مستقیم نظامی و تلفات انسانی شان رقیب و دشمن تاریخی خود اتحاد جماهیر شوروی را مفت و رایگان با ریختن خون دومیون افغان شکست داد و افغانستان هم به ویرانه تبدیل شد. کشور های پیروزمند با حصول اهداف بزرگ شان، بلاد رنگ افغانستان را در مصیبت ها، رنجها و ویرانی ها تنها رها کردند و رفتند.

بعدن به بهانه قراردادن حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ امریکا با برنامه نظم نوین جهانی بالای افغانستان حمله نظامی کرد و افغانستان را اشغال نمود. عمال و مرتکبین حادثه ۱۱ سپتامبر عربها بودند اما انتقام آنرا از افغانها گرفتند.

خارجی ها موقف دولت آقای کرزی را بحیث دولت دست نشانده پایین آوردند که نتوانست برای حصول اهداف و منافع ملی افغانستان گام بردارد. دولت وحدت ملی با تقسیم پُست های دولتی بین دو رهبر نسبت به دولت آقای کرزی آسیب پذیرتر میباشد. آرزو برده میشود که دولت وحدت ملی با وحدت نظر و عمل در جهت برآورده شدن منافع ملی و اهداف ملی افغانستان در هم اهنگی و همگرایی با همدیگر گامهای استوار و متین بردارند که در این مورد خوشبینی های زیادی وجود دارد. زیرا در وحدت و اتحاد با همی، صد در صد آراء و حمایت مردم را با خود دارند و از حمایت امریکا، دوستان بین المللی و شورای امنیت سازمان ملل متحد هم برخوردار هستند.

همه موافقین و مخالفین دولت وحدت ملی باید از دولت وحدت ملی حمایت نمایند تا به حمایت مردم بتوانند آرزوهای مردم، منافع ملی و اهداف والای ملت افغانستان را برآورده بسازند. دولت وحدت ملی برای پنج سال آینده بر سرنوشت افغانستان حاکمیت دارد. با حمایت، پیشنهادات سازنده و انتقادات سالم از کارکردها، اشتباهات و خطاهای دولت ما میتوانیم قدرت کاری و توانایی دولت وحدت ملی را بالا ببریم و در سطح ملی و بین المللی به اعتبار و حیثیت اش بیافزاییم. از مخالفت و تخریبات دولت وحدت ملی هیچ منفعتی به مردم و وطن

ما میسر نمی شود بلکه دولت را ضعیف تر میسازیم که وجایب ملی شان را به درستی انجام داده نتوانند. تخریبات کار آسان است که هرکس انرا انجام داده میتواند اما اعمار کار مشکل است که ما باید انرا فرا بگیریم تا نا آگاهانه مانند طالبان و سایر ترورستان بر ضد وطن و مردم خود استعمال نشویم. باید این فرهنگ سیاسی را ما همواره در نظر داشته باشیم. ما افغانها تا بحال مفکوره ها، اندیشه ها، مرامها و اهداف مشترک اجتماعی و ملی خود را مشخص و هم آهنگ نساخته ایم و در خلای عدم وحدت فکری، ذهنی و عملی بسر میبریم که خود خواهی های ما هم به آن افزوده میشود. همین دلیل است که ما در مسایل اجتماعی، سیاسی، ملی و آیدیولوژی مان اختلافات نظر داریم که به وحدت و همبستگی ملی ما شدیدن آسیب رسانیده است.

باید راه بیرون رفت از این اختلافات را عالمانه و عاملانه جستجو و پیدا نماییم تا وحدت نظر و عمل را در اذهان مردم و جامعه خود نهادینه بسازیم. بدون وحدت نظر و عمل همه دست آوردهای ما مقطعی، مؤقتی و شکننده خواهد بود.

امروز همه قدرتهای منطقوی و جهانی به افغانستان توجه خاص پیدا کرده اند که علت اساسی آن در این امر نهفته است که افغانستان ذخایر معدنی تریلیون دالری و عواید بلیون دالری مواد مخدر را دارد. از جانب دیگر افغانستان از اهمیت جیوپولیتیک، جیو ایکونومی و سوق الجیشی و موقعیت شاهراه ترانزیتی اموال تجارتي، تمديد پایپ لاین های نفت و گاز و لاین برق نیز برخوردار است که بحیث نقطه تقاطع شاهراه ها و خطوط آهن شمال، جنوب، شرق و غرب را با هم وصل میسازد که به حیث پُل و دروازه آسیای میانه به اهمیت ستراتژیک افغانستان افزوده است.

کشورها علایق و روابط دوستی شان با افغانستان را بخاطر منافع و اهداف ستراتژیک شان پیش بینی کرده اند که به عقد قراردادهای ستراتژیک و امنیتی با افغانستان متصل میشوند تا موجودیت شان را در افغانستان قانون مند بسازند.

اگر دولت وحدت ملی بتواند یک دولت واقعن ملی، دلسوز، صادق، وطن دوست و مردم دوست را که درایت و کفایت لازم را داشته، مسؤل پذیر و حسابده باشد را تشکیل نماید از موقعیت ستراتژیک و امتیاز آمیز افغانستان بیشترین بهره برداری و امتیاز را بدست آورده میتواند. افغانستان را بحیث مرکز تجارت منطقوی و شاهراه نقل و انتقالات تجارت منطقوی و جهانی فعال ساخته در کمترین وقت میتواند صلح و ثبات، پیشرفت و ترقی و رفاه اجتماعی مردم خود را بر آورده بسازند که به تصمیم، اراده قاطع و مدیریت مشترک هر دو رهبر منوط و مربوط میشود که به حلقه اهداف و منافع ملی کشورچنگ بزنند و



افغانستان را مدبرانه رهبری و مدیریت نمایند. از کارهای نمایشی پرهیز کنند. به حلقه‌های زنک زده، کهنه، رو به زوال و تاریخ زده بیش از استحقاق شان در امور سیاسی و دولتی سهم و نقش داده نشود که حلقه رهبری دولت را احاطه و محاصره نمایند. بالای جوانان و زنان آینده ساز کشور بیشتر سرمایه گذاری و اتکاء شود. به همکاری دانشمندان، خبرگان و متخصصین داخلی و خارجی بالای نظام و سیستم مدیریت، اداره، کنترل، نظارت و تفتیش کار نمایند تا سیستم نهادینه شود. اگر نظام و سیستم سالم رویکار آید کارها منظم به پیش می‌رود از کم کاری‌ها و استفاده جویی‌ها هم جلوگیری می‌شود. کارمندان امور را اجراآت و مدیریت مینمایند. نظام و سیستم اجرای امور و کارات را کنترل و نظارت مینماید.

تعقیب پرونده کابل بانک به امر رئیس جمهور جدید نمایندگی از آن دارد که رئیس جمهور مصمم است که علیه فساد با قاطعیت و عجله مبارزه میکند. قاطعیت کار درست است اما عجله کار دانشمندان نیست از آن نتایج مطلوب و ملموس بدست نمی آید. باید کارها بنیادی صورت بگیرد که از مقوله های خود رئیس جمهور است.

از وظایف مبرم دیگر رئیس جمهور اینست که لست معادن افغانستان را از وزات معادن مطالبه نماید و برای تفتیش آن یک کمیسیون بازرسی را تعیین نماید تا معلوم شود که چه تعداد معادن افغانستان در گذشته قانون مند عقد قرارداد شده و چه تعداد غیر قانونی استخراج و به یغما برده شده است. تا از استخراج غیرقانونی و دست برد بیشتر معادن افغانستان که تریلیون ها دالر ارزش دارد در آینده جلوگیری شود.

وظایف اساسی دیگر رئیس جمهور و دولت وحدت ملی افغانستان برخورد قاطع با ترورستان و طالبان میباشد. با مسامحه با طالبان و ترورستان در ده سال گذشته هیچ نتیجه‌ی حاصل نشد. بعضی اتباع کشور هم از آنها حمایت مینمایند. مسامحه دولت و حمایت بعضی حلقه‌های جامعه به طالبان و ترورستان امید واری پیروزی را میدهد که بخاطر آن می‌جنگند و مردم را بقتل میرسانند. دولت باید همه گروه‌های که به خشونت متصل میشوند و مردم افغانستان را به قتل میرسانند رومن بحیث ترورستان و دشمنان مردم اعلام نماید. آقای کرزی طالبان را برادران آزرده خاطر میخواند که به طالبان قوت قلب و امید واری پیروزی بیشتر میداد که به جنگ و کشتار مردم ادامه داده و میدهند. نباید این اشتباهات در دولت وحدت ملی دوباره تکرار شود و برای سرکوب شان تدابیر جدی اتخاذ شود. از امریکا و ناتو هم تقاضا شود که از این تصمیم افغانستان با قاطعیت دفاع نمایند تا امید پیروزی از کله طالبان زدوده شود. اگر طالبان مایوس از پیروزی در جنگ شوند از جنگ دست میکشند و به خاطر حصول اهداف شان در مشارکت سیاسی مانند حزب اسلامی متصل میشوند که از جانب رئیس جمهور عفو شوند و امنیت شان

نیز تضمین شود و برای شان حقوق مخالفین سیاسی داده شود که حزب سیاسی شان را در وزارت عدلیه ثبت نمایند و به حیث حزب مخالف سیاسی فعالیت های شان را آغاز نمایند و در آینده ها در انتخابات شرکت نمایند. این پالیسی میتواند طالبان افغانی را از سایر تروستان پاکستانی و خارجی تفکیک نموده دوست را از دشمن جدا میسازد که دشمن به آسانی سرکوب شده میتواند.

سهم دادن و یا شریک ساختن تروستان و قاتلان مردم افغانستان در دولت تا زمانیکه ساز و برگ های نظامی شان را منحل نساخته و به دولت تسلیم نداده و به روند سیاسی نپیوسته اند یک خبط سیاسی بشمار می آید که نباید تکرار شود.

بعضی تبصره ها در تلویزیون شنیده میشود که دوستان تاریخی افغانستان را در ردیف دوم قرار داده، دشمنان تاریخی افغانستان را در صف اول آورده اند که مسئولیت جنایات شان را به اشباهات افغانها حواله مینمایند، تعجب آور به گوش میرسد. مردم افغانستان در باره خود باید قضاوت نمایند که دشمن دوست نمیشود میخوانند دوستان ما را از ما آزرده بسازند.

از خداوند متعال استدعا مینمایم که به دولت و وحدت ملی و مردم افغانستان توفیق عنایت فرماید که در تمام شئون زندگی و به خصوص در امر صلح و امنیت پیروز و کامیاب شوند. من الله توفیق  
۲۱ اکتوبر ۲۰۱۴